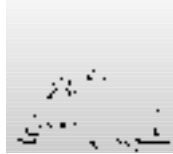


حاکم جشمی و کتاب السفینة الجامعة

• حسن انصاری قمی

شیخ الاسلام ابوسعید محسن بن محمد بن کرامه بیهقی معروف به حاکم جشمی (درگذشته ۴۹۴ ق) یکی از بزرگ‌ترین مؤلفان معتزلی زیدی مذهب ایران است که در حفظ و انتقال میراث معتزله نقش مهمی داشته است^۱. متأسفانه آثار عربی و فارسی او در ایران مورد اهمال قرار گرفت و تنها به برکت تلاش زیدیان ایران و یمن، این آثار به یمن منتقل شد و البته در آنجا نقش آفرینی بسیار کرد. حاکم جشمی، هم بستری برای انتقال اندیشه‌های اعتزالی به یمن و بقا و استمرار آن، به ویژه اعتزال بصری (شاخه بهشمی) در میان زیدیان یمن بود. به علاوه، و هم اینکه وی با تألیف آثار متعدد، نقش مهمی در حفظ تاریخ و تراث معتزله داشت؛ بطوری که هم اکنون عمدتاً از طریق آثار او با محفل قاضی عبدالجبار و شاگردان و پیروان او آشنایی داریم. در کتاب‌های او نکات بسیار مهمی درباره تاریخ و زنجیره متکلمان معتزلی و عقاید یا پاره‌هایی از کتاب‌های آنان آمده است که تنها از رهگذر آثار او هم اینک در اختیار ماست. البته چنانکه می‌دانیم حاکم جشمی در آغاز حنفی مذهب و در حقیقت از حنفیان معتزلی خراسان بود و سپس به مذهب زیدی گروید (طبعاً فقط در مسائل امامت، زیرا زیدیه متأخرتر در مسائل کلامی دیگر عموماً با معتزله اختلافی نداشته‌اند). چنین پیداست که تمامی آثار موجود حاکم، محصول این مرحله از زندگانی وی است و معلوم نیست که آیا کتاب‌هایی بر مذهب حنفی نیز نوشته بوده است یا خیر. از سوی دیگر، از آثار فقهی حاکم اطلاعی نداریم و بنابراین به درستی نمی‌توانیم قضاوت کنیم که آیا او در مسائل فقهی هم کاملاً از مذهب فقهی زیدیه (مذهب الهادی الی الحق) تبعیت می‌کرده یا در شمار معتزلیانی بوده است که در عقاید مربوط به امامت گرایش زیدی داشتند ولی در مسائل فقهی همچنان بر مذهب حنفی بودند. برای پاسخ به این پرسش

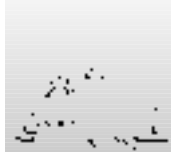




بی نهایت اهمیت دارد. بخشی از موارد تاریخی این کتاب ضمن اخبار ائمة الزیدیه سال‌ها پیش به کوشش استاد اسلام شناس آلمانی ویلفرد مادلونگ به چاپ رسید، ولی متأسفانه تاکنون همه کتاب به چاپ نرسیده است. دست آخر در میان کتاب‌های کوچک حاکم جشمی باید از کتاب تنبیه الغافلین فی فضائل الطالبین یاد کنیم که در تفسیر روایی آیاتی از قرآن است که بنا بر روایات در شأن اهل بیت علیهم السلام نازل شده است. این کتاب تا آنجا که می‌دانم تاکنون سه بار چاپ شده است که دو بار آن در ایران بوده است. البته چاپ استاد درگاهی به دلیل استفاده از نسخ قدیم تر ارجح تر است از الرسالة التامة فی نصیحة العامة حاکم جشمی در مسائل عقاید و فرق که اصل آن به فارسی بوده و سپس به عربی ترجمه شده بوده است، نسخه‌ای هم در ضمن مخطوطات تازه کتابخانه دارالمخطوطات صنعاء موجود است که آن را در این کتابخانه دیدم و نکاتی از آن یادداشت کردم. فصل کوتاهی از این کتاب را مرحوم دانش پژوه در مجله دانشکده ادبیات تبریز به چاپ رسانده است.

اما در این یادداشت کوتاه قصد دارم یکی دیگر از کتاب‌های حاکم جشمی را معرفی کنم که متأسفانه تاکنون به چاپ نرسیده است ولی باید آن را از مهم ترین و مفصل ترین تالیفات حاکم جشمی قلمداد کرد. این کتاب که به السفینة الجامعة لا نواع العلوم نامبردار است، در حقیقت یکی از کهن ترین نمونه های جوامع العلومی است که هم اینک در اختیار ماست. البته این موسوعه دائرة المعارف مانند، ترتیب معمول کتاب‌هایی مشابه را ندارد، ولی مولف در ابواب مختلف آن کوشیده است شمار قابل توجهی از موضوعات علمی و متداول روزگار خود را به بحث گذارد. تنها مشکل کتاب این است که متأسفانه مولف در غالب موارد از ذکر اسناد روایات یا منابع نقل خود اجتناب کرده و به همین دلیل بیشتر مطالب کتاب به صورت مرسل نقل شده است. کتاب بیشتر صبیغه نقلی دارد و مشتمل بر روایات و اخبار دینی و ادبی و تاریخی است و مسائل کلامی و مباحث نظری کمتر در آن طرح شده است (البته طبعاً آنها با در نظر گرفتن بخش‌های باقیمانده از این کتاب). این مسئله نقص قابل توجهی به شمار می‌رود. به همین دلیل است که در مقایسه با جلاء الابصار که عمده مطالب آن به صورت مسند و با نقل مأخذ نقل

می‌بایست مطالعه ای همه جانبه در آثار موجود حاکم جشمی صورت گیرد. خوشبختانه کتاب السفینه که در این مقاله آن را معرفی خواهیم کرد، مشتمل بر بخش‌هایی فقهی است که باید از این نظر مطالعه شود. البته این امر به دلیل قرابت‌های فقه زیدی و حنفی گاه اتفاق می‌افتاده است و گزارش‌هایی از این موارد در منابع در دست داریم. البته حاکم جشمی در شمار زیدیانی است که در مسائل امامت دیدگاه سهل گیرانه‌ای در باره عقاید سنیان داشتند و از تفسیری از امامت و نص حمایت می‌کردند که با احترام و پذیرش خلفای پیش از حضرت امیر سلام الله علیه متناسب بوده است. می‌دانیم که مولف و دانشمند زیدی معاصر عصر المنصور بالله عبدالله بن حمزه، محی الدین محمد بن احمد بن علی بن الولید کتاب منهاج السلامة فی مسائل الامامة را در رد موارد مخالف با عقاید زیدیه در عیون المسائل و شرح آن نوشته بوده است^۲. از سوی دیگر محققان عرب، تفسیر بزرگ التهذیب، اثر حاکم جشمی، را مطالعه و بررسی کرده اند، بی تردید چاپ دوره کامل این تفسیر، آشنایی ما را با تاریخ تفسیر معتزلی و نقش متکلمان بزرگ معتزلی در تفسیر قرآن بیشتر می‌کند، زیرا حاکم جشمی از تفاسیر متقدم معتزلی که اینک در اختیار ما نیست بهره گرفته است. همچنین کتاب شرح عیون المسائل که جز فصلی کوتاه (بخشی از تاریخ معتزله در پایان کتاب فضل الاعتزال و به کوشش فؤاد سید) از آن تاکنون به چاپ نرسیده است، از مهم ترین تالیفات حاکم جشمی است که در آن با مجموعه‌ای از عقاید و طبقات معتزلیان و عقاید فرق دیگر آشنایی پیدا می‌کنیم. متن خود کتاب عیون المسائل نیز تاکنون به چاپ نرسیده است. کتاب تحکیم العقول وی که کتابی کوچک در مباحث کلامی و بر اساس مذهب اعتزال است، در سال‌های اخیر یافت شد و بر اساس یک نسخه در یمن به چاپ رسید. سال‌ها پیش نیز آقای دکتر حسین مدرسی طباطبایی کتابی از حاکم جشمی به طبع رساند با عنوان رسالة ابلیس الی اخوانه المناحیس که ردیه‌ای بر گروه‌های مجبره سنی و از آن میان اشعریان است. امالی بسیار مهم حاکم جشمی که با عنوان جلاء الابصار شناخته می‌شود، مجموعه‌ای از احادیث و تاویل و تفسیر احادیث همراه مجموعه‌ای از اشعار و نکات ادبی و تاریخی است که مواردی از آن



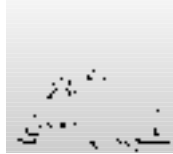
شده است، اهمیت کمتری دارد. نباید این نکته را از ذهن دور داشت که اولاً این کتاب می‌تواند آینه ذهنیت و عقاید و باورهای حداقل بخشی از مردمان ایران، به ویژه ساکنان خراسان در سده پنجم قمری، تلقی گردد و طرز فکر و برداشت‌های دینی و اجتماعی آنان را بازتابانند. ثانیاً کتاب که به صورت موسوعه‌ای در علوم و موضوعات متعدد تدوین شده، بیشتر به کتابی مانند است که برای واعظان و مذکران و مجلس‌گویان تدوین شده باشد و مطالب آن فراخور مردمان عادی و مومنان حاضر در جلسات و عظ و تذکیر تنظیم شده است. از این رو بر خلاف جلاء الابصار که مخاطبان دانشمندتری دارد، این کتاب برای مخاطب عمومی‌تری تدوین (یا املاء ؟) شده بوده است. طبعاً به دلیل اینکه حاکم جسمی نزد محدثان خراسان و از جمله نیشابور حدیث آموخته بود و از رجال برجسته‌ای مانند ابو عبد الرحمن سلمی روایت حدیث می‌کرد، کتاب السیفینه بر روایاتی متکی بود که در آن دوره در خراسان مورد تداول محدثان بود؛ گرچه بخش قابل توجهی از روایات او هم به روایات زیدیان و از جمله ابوطالب هارونی مستند است. بر اساس داده‌های موجود و بر پایه فهرست‌هایی که از کتابخانه‌های عمومی و خصوصی یمن که هم اینک در اختیار ماست، متأسفانه ظاهراً همه مجلدات این کتاب در دسترس نیست. از میان مجلدات السیفینه تنها عکس مجلدات دوم تا پنجم در اختیار اینجانب است و بنابراین دایره تحقیق ما محدود است. البته بر اساس کتاب اعلام المولفین الزیدیه، تالیف دوست کوشا جناب آقای عبدالسلام عباس الوجیه، اطلاع داریم که در کتابخانه غریبه صنعاء از این کتاب نسخه‌هایی از جمله مجلد اول، موجود است که اطلاع از آن احتمالاً ما را با کلیت کتاب‌آشناتر می‌کند. در این یادداشت به دلیل محدودیت صفحات، تنها به بررسی محتویات جلد دوم می‌پردازیم و مابقی را به شماره بعد وامی‌گذاریم.

نسخه‌ای که از جلد دوم این کتاب به صورت عکسی در اختیار این بنده است، در نیمه رجب ۶۱۷ قمری در صعده در مرقد امامان زیدی آنجا و توسط یکی از زیدیه کتابت شده است.

جلد دوم با بحث سیره و مغازی حضرت رسول (ص) و معجزات حضرت آغاز می‌شود. در این بخش به اسلام آوردن اصحاب حضرت و کیفیت آن به تفصیل پرداخته است. این بخش را باید سیره مفصل حضرت رسول قلمداد کرد. پس از این باب، مولف به قرآن کریم و فضل القرآن

می‌پردازد. پس از آن، ابواب مربوط به فضائل الصحابه است به تفصیل. در آغاز، احادیثی در فضائل صحابه یاد شده و آنگاه بابی درباره نهی از سب صحابه آمده است. باب بعدی، مجلس فی فضل الخلفاء الاربعة است. تعبیر مجلس نشان می‌دهد که کتاب شاید به صورت مجالس و امالی مولف بوده که از وی روایت شده است. تمام احادیث و مطالب مولف در این قسمت نشان از گرایش‌های سنی مآبانه مولف دارد و جالب توجه اینکه از فضائل ابوبکر آغاز کرده است. اما از فضائل حضرت امیر سلام الله علیه در این قسمت خبری نیست. باب بعدی درباره خلافت پس از پیامبر (ص) است. در این قسمت عقاید اهل العدل را به اختصار در این باره مطرح می‌کند. باب بعدی، فی التمسک بالسنة و الجماعة است. سپس در باب حدیث فدک به نقل از ابوالقاسم بلخی در المسائل الواردة مطالب مهمی را در رد عقیده امامیه در این باب و خطبه فدک و ادعای مربوط به ابوالعیناء که در الشافی شریف مرتضی رد شده است طرح می‌کند که حائز اهمیت بسیار است. فصول مختصر بعدی هم کم و بیش همه در جوی غیر شیعی نوشته شده است، گرچه از آن زیدی نبودن مولف بر نمی‌آید.

بخش بعدی، "ابواب و فصول و مجالس فی ذکر اهل البيت و علی علیهم السلام"، از سیره حضرت امیر و زندگانی و جزئیات مناقب و مطالب مربوط به حضرت و از جمله جنگ‌های دوران امامت ایشان آغاز کرده است و در همان ابتدا به نقل از ابوطالب هارونی حدیثی روایت می‌کند. در این قسمت از یکی از کتاب‌های ابن بابویه نیز احادیثی نقل می‌کند که از لحاظ روابط میان زیدیه و امامیه حائز اهمیت است. از جمله منابع مولف، کتاب مفقود الامامه اثر ناصر کبیر اطروش است که اهمیت زیادی دارد. از جمله امتیازات کتاب نقل اشعار بسیاری از شاعران و از جمله صاحب بن عباد است به گونه‌ای که باید کتاب‌های حاکم را به عنوان یکی از منابع اصلی شعر صاحب قلمداد کرد. از کتاب الاحکام الیهادی الی الحق نیز در همین بخش نقل قول می‌کند. این بخش از نظر اشتغال بر بسیاری از روایات فضائل حضرت، شایسته چاپ است. از جمله منابع مولف در این باب کتاب المصباح ابوالحسین (در نسخه: ابوالحسن) فارسی و کتاب فضائل الصحابه بیهقی است که همشهری و معاصر مولف ما از وی که نسل‌تر بوده است. در "فصل فی جمل من کلامه المنثور" مفصل کلمات حضرت نقل شده است. از جمله مطلبی از جاحظ درباره کلمات حضرت نقل می‌کند و سپس مائة کلمه را



بدون سند می آورد، در حالی که در جلاء الابصار باسند نقل کرده است. همچنین مولف بخشی از اشعار حضرت را از منابع کهن شعر حضرت نقل کرده است. نکته مهم این است که مولف در بخش کلمات حضرت به نهج البلاغه رجوع می دهد.

نویسنده پس از حضرت امیر به دیگر اهل بیت (ع) پرداخته و از جمله منابعی که از آنها در این بخش ها نقل می کند روایاتی از قاضی عبدالجبار است (به احتمال بسیار قوی از امالی او). بخش مربوط به اخبار حضرت سیدالشهداء سلام الله علیه مفصل و شامل یک دوره مقتل حضرت است. از نکات بسیار جالب این قسمت که به سبک مجالس و عطا و تذکیر و فضایل خوانی تنظیم شده، نقل اشعار فارسی فراوان در مقتل است که در این متن عربی باقی مانده و هم اینک به واسطه نسخه ای یمنی در اختیار ما قرار گرفته است. شایسته است اگر متخصصان درباره این اشعار بیشتر تحقیق کنند. پس از این باب، باب مربوط به زید بن علی آمده است که بیشتر اخبار آن به نقل از ابوطالب هارونی و یاکتاب قاضی ابوبکر محمد بن عمر [ابن جعابی] (به واسطه روایت ابوسعده سمان) است (در متن نسخه به غلط: القاضی ابوبکر بن محمد بن عمر). این منبع اخیر، احتمالاً کتابی درباره زید بن علی بوده است. همچنین در این بخش همچنین از کتاب المعارف و ذکر الخلاف صاحب بن عباد مطلبی نقل می کند که حائز اهمیت است. "باب فی ذکر الفرق بین الشیعه والنواصب والرافضة" به احادیث ذم رافضه پرداخته و بحث را به امامیه کشانیده است. در این باب از کتاب های ناصر و ابوالقاسم بلخی (جواب المسائل الواردة) نقل کرده است. در بخشی از همین باب و ذیل فصل پنجم می نویسد: "الفصل الخامس فی ذکر جمل من مقالاتهم و خبائثهم. فقد قیل ان ابتداء هذا المذهب وضعه المؤمن وقرر فی نفوس الناس ان الامام واحد معصوم... و ممن اشتهر بهذه المقالة هشام بن الحكم و هشام بن سالم و ابراهيم و شيطان الطاق و ممن صنف فيه ابن الروندی و ابو عيسى الوراق و ابن المعلم. فاما مقالاتهم فقد اختلفوا عند موت كل امام اختلفا كثيرا قد ذکر ذلك فی المقالات. فلو كان ما يدعونه من النص صحيحا لما اختلفوا... فاما خبائثهم ففي التوحيد ما قالوا بالتشبيه والضرورة كما روی عن هشام بن الحكم و كذلك حدوث العلم و فی العدل لقولهم فی الجبر. قال

ابوالقاسم اكثرهم جبرية و فی الامامة كقولهم ان الامام يعلم الغیب و ان له الالهام و امامة الصبيان و فی القرآن جوازهم بالزيادة والنقصان و انه لا يعلم به احد سوى الامام و فی الشرايع جواز الرجعة المودى الى القول بالتناسخ و ابطالهم الادلة كلها لقول الامام وهو غائب و مساهلتهم فی الاخبار و جواز الكذب والعجب منهم يتكرون قول الوفاء من الصحابة يقولون سمعنا رسول الله و ياخذون بقول مجاهيل و منها جنائيتهم (خبائثهم؟) فی العترة و تمسكهم بواحد لا يرى و ابطالهم حق الباقيين و تكفيرهم اكثر العترة و تكفيرهم اكثر الصحابة و لهم جهالات كثيرة و فضائح ليس هذا موضع جميعها و انما اشرنا الى جمل منها...". در ادامه، درباره امام رضا سلام الله علیه و ائمه زیدیه می نویسد. در این بخش از سیره الهادی عباسی بهره گرفته است.

باب بعدی "باب فی ذکر المروانية والسفینانية و اشياهم و اتباعهم" است. مولف در این باب از شیخش، احمد بن علی بن مخلد، و از کتاب المصایح (کدام المصایح؟) و کتاب "ابن ناجیه الاصفهانی" نقل می کند. پس از آن در "فصل فی جملة من الاشعار فیما قیل فی اهل البيت عليهم السلام" اشعار بسیاری را درباره اهل بیت علیهم السلام نقل کرده است، از جمله از صاحب بن عباد. وی همچنین از شماری از شعرای اهل بیت نام می برد.

پی نوشت ها:

۱ - پیش از این در مقالات "کتاب های صوفیانه زیدیان ایرانی و یمنی" (آینه میراث) و "گرامیه در مجالس بیهقی و چند منبع دیگر" (مجله کتاب ماه دین) و نیز در مقاله "زیدیه و منابع مکتوب امامیه" (مجله علوم حدیث) و مقاله "کتابی درباره امامان زیدی از مولفی طبری" (کتاب ماه دین) درباره حاکم جشمی و کتاب های او مطالبی از نویسنده این سطور منتشر شده است.

۲ - محی الدین محمد بن احمد بن علی بن الولید، "الجواب الحاسم المفنی لشبه المغنی"، در پایان بخش دوم جلد بیستم المغنی، بنگرید: قاضی عبدالجبار، ص ۲۶۴.